



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در تنبیه رابع با بیان کلمات امام رضوان الله علیه از سه جهت وسعت بوجود آمد که با این سه جهت تمام اشکالاتی که شیخ انصاری (ره) و دیگران مطرح کرده اند برطرف می شود: اول وسعت معنای بیع می باشد، بیع فقط به معنای تبدیل اضافتین نیست بلکه معنای آن بسیار وسیع است لذا لازم نیست که اولاً بایع حتماً مالک باشد و ثانیاً لازم نیست که مبیع حتماً ملکیت و مالیت داشته باشد و ثالثاً لازم نیست که ثمن به ملک کسی داخل شود که مثنی از ملکش خارج شده و چنین چیزی غیر معقول نیست مثل کسی که به نانوائی پول می دهد تا به فقراء نان بدهد که خوب ثمن از ملک آن شخص خارج می شود ولی مثنی به ملک فقراء داخل می شود و امثال ذلک بنابراین وقتی که ما معنای بسیار وسیعی برای بیع قائل شدیم دیگر نیازی به هیچ توجیهی نداریم. دوم وسعت معنای اباحه می باشد، شخص می تواند جمیع تصرفات متوقف بر ملک را اباحه کند و اشکالی هم ندارد و دیگر لازم نیست که ما آن را توجیه کنیم زیرا معنای اباحه به قدری وسعت دارد که مبیع می تواند جمیع تصرفات حتی تصرفات متوقف بر ملک را به دیگری اباحه کند.

سوم وسعت در امضاء و مشروعیت معاملات می باشد، شیخ انصاری (ره) فرمود موردی که یک طرف اباحه و طرف دیگر تملیک می کند مشمول أدله نیست و صحیح نمی باشد ولی ما می گوئیم که اینطور نیست زیرا وقتی

یک معامله ای عرفاً رایج و متعارف باشد ما أدله زیادی مثل: أوفوا بالعقود و تجارة عن تراض داریم که شامل آن می شود بنابراین از سه جهت در کلام حضرت امام (ره) وسعت وجود دارد: اول وسعت در معنای بیع و دوم وسعت در معنای اباحه و سوم وسعت در امضاء و مشروعیت معاملات که نظر بنده نیز همین می باشد.

آیت الله خوئی در مصباح الفقاهة جلد دوم ص ۱۸۳ به طور خاص به کلام حضرت امام (ره) نظر ندارد ولی می فرماید که اینطور حرفها از اغلاط می باشد، ایشان اولاً بیع را تبدیل اضافتین معنی می کند و بعد می فرماید که اگر ما یکی از توجیهاات سه گانه شیخ را قبول نکنیم مثل کلام حضرت امام از اغلاط واضح می باشد، ولی ما می گوئیم که اینطور نیست بلکه همانطور که حضرت امام (ره) فرمودند چنین معاملات متعارف و صحیح هستند.

سید فقیه یزدی در ص ۳۸۱ از جلد اول حاشیه بر مکاسب حرف شیخ را قبول نمی کند و می فرماید: معتبر است در حقیقت معاوضه جعل الشئ فی مقابل الشئ من حیث هما و بیع به همین معنی می باشد و لازم نیست که حتماً ثمن به ملک کسی داخل شود که مثنی از ملکش خارج شده.

شیخ انصاری (ره) در ادامه درباره ثمن خمس و هدی و زکات بحث کرده، بنده فکر می کنم شیخ که در اینجا مفصلاً بحث کرده نظر داشته به کلام قدما در مورد معاطات که می فرمودند معاطات فقط مفید اباحه است نه ملک لذا اگر بخواهیم کلام آنها را قبول کنیم در خیلی از جاها مثل ثمن خمس و هدی و زکات به مشکل بر

می خوریم چرا که معاطات نسبت به بیع لفظی هم قدمت و سبقت دارد و از قدیم الایام در بیع مردم متعارف بوده و سیره مردم بر انجام بیع معاطاتی بوده ، بنابراین شیخ با نظر به کلام قدما وارد بحث شده و خواسته تمامی آن موارد را از راهی که خودش پیش آمده توجیه کند ولی حضرت امام(ره) در همان چند صفحه ای که بحث کرده از تمام آن موارد جواب می دهند و می فرمایند مثلاً در ثمن هدی لازم نیست که انسان مالک باشد بلکه همان اباحه کافی است و در ثمن خمس و زکاة بحث بسیار است مثلاً بعضی گفته اند خمس به عین مال به نحو تشریک تعلق می گیرد یعنی خمس به ذمه اش تعلق نمی گیرد بلکه یک پنجم از عین مال متعلق به امام است و چهار پنجم از آن مال خودش می باشد، خوب اگر بگوئیم که خمس به عین مال تعلق می گیرد که در این صورت دیگر اباحه کارایی ندارد ولی اگر خمس به ذمه تعلق بگیرد آداء دین در ذمه ی شخص را به دیگری اباحه کردن اشکالی ندارد یعنی اینکه شما مدیون باشید و من بروم دین شما را آداء کنم پس این بحث مبتنی می شود بر اینکه آیا خمس به عین تعلق می گیرد یا بر ذمه که علی ای حال بحث ثمن هدی و خمس و زکاة نیز از این راه حل می شود . خوب یک بحث از تنبیه رابع باقی می ماند که بماند برای روز شنبه إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین